



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۱۴۸۳۷۷۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۷

تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان

تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰

امور شهرستانها: ۸۷۷۶۲۲۰۱

تلفن سازمان آگهیها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میشاق نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه شهرود

را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/

Misagh_Name

telegram.me/Shahrvand_Newspaper

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

ایمیل صفحه آخر: safhehakhir@shahrvand-newspaper.ir

تقویم تاریخ

رخداد

تصرف گیلان به دست مشروطه‌خواهان در جریان قیام علیه استبداد صفیرو آقابالاخان، حاکم رشت (۱۲۸۷ خورشیدی)
حمله ۲۰ هزار نظامی آمریکایی به جزیره یووجیما، واقع در مجمع الجزایر ژاپن، در جریان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ میلادی)
گشایش سفارت فلسطین در محل سابق سفارت اسرائیل در تهران، در پی پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ خورشیدی)
فرستاده شدن نخستین قسمت از ایستگاه فضایی میر به فضا توسط اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان نخستین ایستگاه فضایی بلندمدت (۱۹۸۶ میلادی)

طلوع

نیکلاس کوپرنیک - اخترشناس و ریاضیدان لهستانی، ابداع گر نظریه خورشیدمرکزی (۱۴۷۳ میلادی)
سوانت آرنبوس - شیمی‌دان سوئدی، برنده جایزه نوبل شیمی سال ۱۹۰۳ میلادی برای فرمول‌بندی تفکیک بونی در محلول‌ها (۱۸۵۹ میلادی)
کارسون مک‌کولرز - نویسنده و نمایشنامه‌نویس آمریکایی (۱۹۱۷ میلادی)
صفر مراد نیازف - سیاستمدار ترکمن، نخستین رئیس‌جمهوری ترکمنستان صاحب‌لقب کم‌نمایشی (۱۹۴۰ میلادی)

غروب

ارنست ماخ - فیلسوف مشهور و فیزیکدان برجسته اتریشی در قرون نوزدهم و بیستم میلادی، صاحب تئوری‌های ارزشمند در مکانیک کلاسیک (۱۹۱۶ میلادی)
آندره ژید - نویسنده فرانسوی، برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۴۷ میلادی، صاحب آثاری چون: مانده‌های زمینی، سمفونی روستایی، سکه‌سازان (۱۹۵۱ میلادی)
دنگ ژیاوپینگ - سیاستمدار و حاکم چین از اواخر دهه ۷۰ تا اوایل دهه ۹۰ میلادی، متولی سیاست درهای باز و اصلاحات در چین (۱۹۹۷ میلادی)

قاب کوچک



نمای هوایی از یک هلیکوپتر ارتش آمریکا که در حین انتقال مسئولان دولتی به منطقه زلزله‌زده روی دو دستگاه سوخته در جریان حادثه ۱۳ نفره کاتاکر از سر نشینان ون‌ها بود در جاده خود را از دست داد. عکس: مار یو اس کونز / AFP

این شرح بی نهایت

فاطمه پاره وجود من است، هر که او را بیازارد، مرا آزار داده و هر که او را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است. حضرت محمد(ص)

چشم خون افشان

تاکی از ما بار ما پنهن بود چشم ما تاکی چنین گریان بود تاکی از وصلش نصیب بخت ما محنت و درد دل و هجران بود این چنین کز یار دور افتادم گر بگیرد دیده، جای آن بود چون دل ما خون شد از هجران او چشم ما شاید که خون افشان بود از فرآش دل ز جان آمد به جان خود گرانی یار مرگ جان بود بر آمدی زنده‌ام، ورنه که را طلاق آن هجرایی پایان بود بیچ بر بیچ است بی او کار ما کار ما تاکی چنین بیچان بود محنت آباد دل پر درد ما تاکی از هجران او ویران بود درد ما را نیست درمان در جهان درد ما را روی او درمان بود چون دل ما ز سر جان شد بر نخاست لاجرم پیوسته سرگردان بود چون عراقی هر که دور از یار ماند چشم او گریان، دلش بریان بود عراقی

پیشخوان

چگونه مثل باب دیلان بیندیشیم!

است. ما به یک جعبه ابزار ذهنی نیاز داریم مجموعه‌ای متشکل از ابزارهایی که امکان فهم بهتری از جهان را به ما می‌دهند اما در عین حال به ابزارهایی برای بهبود عملی زندگی نیز محتاجیم. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «وقتی باب دیلان در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه نوبل ادبیات شد برای هفته‌ها خبری از قدرانی و پذیرش نبود، نه بیانی‌های و نه مصاحبه‌های او حتی به تماشای تلفنی آکادمی سوئدی متولی جایزه هم جواب نمی‌داد. انتقادها از هر طرف شروع شد. چقدر یک آدم می‌تواند ناسیاس باشد؟ چقدر متکبرا چقدر بی تفاوت! هنگامی که بالاخره در مصاحبه با یک روزنامه بریتانیایی پاسخی از دیلان منتشر شد. او خیلی خشک عنوان کرد: «بابت افتخاری که نصیب شد سپاسگزارم.» باب دیلان می‌گوید: «وقتی نوشتن را شروع کردم، برایم بسیار مهم بود که بدانم دیگران در مورد کتاب‌هایم چه فکری می‌کنند، با نقدهای مثبت خوشحال می‌شدم و هر گونه انتقادی برایشانم می‌کرد من تشویق دیگران را معیاری برای سنجش موفقیت‌هایم دانستم. اما جایی در چهل و چند سال، لحظه باب دیلانی من فراموشیدم. در یافته که درک عمومی نسبت به نوشته‌های من ارتباطی به کیفیت آن‌ها ندارد و موجب بهتر شدن یا بدتر شدن آن نمی‌شود. با درک این موضوع حس کردم از زندانی که خودم ساختم بودم آزاد شدم.» «هنر خوب زیستن» نوشته رولف دوبلی با شمارگان یک‌هزار نسخه و بهای ۲۳ هزار و ۵۰۰ تومان از سوی مهرگان خرد منتشر شد.



«هنر خوب زیستن» یا این عبارت آغاز می‌شود: «این کتاب تفکر شما را دگرگون خواهد کرد» جالب است بدانید این کتاب آخرین اثر نویسنده کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» است. این کتاب مجموعه‌ای از ابزارهای کاربردی برای یک زندگی خوب است. ۵۲ ترفند برای رسیدن به شادکامی، از دوری گزیدن بدون احساس گناه از فناوری‌های روز گرفته تا پرداخت سرخوشانه جریمه‌های پارک ممنوع که هدفشان یاری به خواننده در رسیدن به خشنودی و شادکامی است. این نکته‌ها شاید نتوانند تضمین کننده یک زندگی خوب باشند اما دست کم شانس بیشتری برای رسیدن به آن در اختیار تان می‌گذارد.

در همان صفحات اولیه کتاب به این نکته اشاره شده که از روزگار قدیم‌تر از ۲۵۰۰ سال پیش و شاید قبل‌تر از آن انسان‌ها همواره از خودشان پرسیده‌اند معنای داشتن یک زندگی خوب چیست؟ چطور باید زندگی کنیم؟ اجزای تشکیل‌دهنده یک زندگی خوب چه هستند؟ نقش تقدیر در این میان چیست؟ نقش پول چطور؟ آیا چگونگی برخورداری از یک زندگی خوب پرسشی ذهنی یا مربوط به به پیش گرفتن نگرش خاص است؟ در چند دهه گذشته، انقلابی بی‌سروصدا در حوزه‌های مختلف اندیشه رخ داده است. در علوم، سیاست، اقتصاد، پزشکی و بسیاری حوزه‌های دیگر پژوهشگران این نکته را یافته‌اند که دنیا آن قدر پیچیده است که خلاصه کردن در یک نظریه بزرگ یا تعدادی اصل علمی غیرممکن

حرف روز

همه پرسه چیز چندان سگفتی نیست

حریف اسرائیلی بر نخورد منطق پشت این باخت دستوری به یک جوان ۲۳ ساله که باهزار امید و آرزو و با سال‌ها تلاش و تمرین نفسگیری به آن مرحله رسیده است، نزد بخش چشمگیری از مردم پذیرفته شده نیست. خیلی از مردم جور دیگری می‌اندیشند و بر این باورند که باید اجازه داد تا طرف کشتی‌اش را بگیرد. خیلی‌ها هم می‌گویند خوب حالا که به طرف می‌گویید بیاز دست کم هم از جام زینتی که می‌توانست بگیرد به او پول و پادش بدهید. این که این روزها، بحث تعلیق کریمی و مریشی و حتی فدراسیون کشتی در میان مردم و دانشگاه‌ها و فضای مجازی داغ است، نشانی است از نگاه دیگری که نگاه رسمی کنونی را نمی‌پذیرد. این کشور، کشور شادی نیست. در مدرسه و دانشگاه و پارک و خیابان و محل کار و... نشان چندان‌اش شادی نیست. پیروزی‌های ورزشی به‌ویژه در رشته‌های همچون کشتی که رشته‌های دیرینه در وجود ما دارد، می‌تواند بر سر زندگی و شادی و غرور ما بیفزاید و در برابر و نه همین میزان باخت دستوری می‌تواند بر روحیه بسیاری از ما اثر منفی بگذارد و بر ناامیدی‌ها

مهدی بهلولی

آموزگار



فوکوس

۱۲۲ سال پیش، برابر با نوزده فوریه ۱۸۹۶ میلادی، آندره برتون، نویسنده شهره فرانسوی و از پیشگامان و نظریه‌پردازان سوررئالیسم (فرافعالگرایی) در نورماندی به دنیا آمد. برتون در سال ۱۹۳۴ جنبش سوررئالیسم را بنیاد نهاد و بیانیه فرافعالگرایی را منتشر کرد. این جنبش که ویژگی عمده‌اش توجه به رویا و فعالیت خودبخودی ذهن بود، توجه افرا را زیادی را جلب کرد. ساوادور دالی، لوئیس بونول، رنه شار و آبرو تاجا موتی از جمله افراد سرشناسی بودند که به جنبش فرافعالگرایی پیوستند.



نگاه

یک صحنه از زندگی، در ۲۰ دقیقه

صدف عباسی - روزنامه‌نگار | به فاصله دو صدلی از جایی که من نشسته بودم، پیروزی مویه می‌کرد. تا جایی که من دانستم، گریه کردن در شب شعری که به مناسبت رحلت پیامبر(ص) و شهادت امام حسن(ع) در فرهنگسرا ترتیب داده شده، کاملاً طبیعی بود و به خاطر همین، به خودم زحمت نگران شدن نادم، شاعران می‌آمدند و با چکمه‌های مذهبی شان، احساسات حضار را به غلیان درمی‌آوردند و گاهی هم به زلزله اخیر کرمانشاه اشاره می‌کردند. سر جایم تکیه داده بودم و گوش‌ام را برای ضبط کردن روی صدلی جلویی گذاشته بودم تا شعرها را سرفصدت پیاده کنم. آن شب به‌عنوان خبرنگار فرهنگسرا به مراسم آمده بودم. وقتی سعید بیابانکی روی صحنه رفت و از تجربه‌اش در شب زلزله در کرمانشاه گفت، به ناگاه فاصله‌ای که میان صحنه و تماشاچیان وجود داشت، از بین رفت. در میان همه‌مهمی‌های که سال‌ها بر کرد، پیروزان حالا با شدت بیشتری گریه می‌کرد. دختری که بین من و پیروزان نشسته بود، حین دلداری دادن او، حرف‌های جویده جویده‌اش را به من، که سررم را به مستشان خم کرده بودم، انتقال می‌داد: «پسر عموم برای کار اداری رفته بوده که گرمونشاه. هنوز هیچ خبری ازش نیست... سه تا بچه کوچیک داره... زنش دوماله حامله‌اس، از وقتی شنیده افتاده گوشه‌بیمارستان... خدا کنه بچه‌اش بیفته... کی بچه

از هر دری سخنی

خبر بد

داستان زیر را آرت بوخالد طنزنویس پراوازه آمریکایی در تایید اینکه نباید اخبار ناگوار را به یکباره به شنونده گفته نوشت است: مرد ثروتمندی بعد از بازگشت از مسافرت مباشر خود را به حضور طلبید و از او گزارش اوضاع را خواست. مکالمه زیر بین آنها ردوبدل شد: -جرح از خانه چه خبر؟ -خبر خوشی ندارم قربان سگ شمارم. -سگ بیچاره افس او مرده چه چیز باعث مرگ او شد؟ -برخوری قربان! -برخوری! مگه چه غذایی به او دادید که تا این اندازه دوست داشت؟ -گوشته اسب قربان و همین باعث مرگش شد. -این همه گوشته اسب از کجا آوردید؟ -همه اسب‌های پدران من مردند قربان اما هم از گوشته آنها به سگ‌تان دادیم. -چه گفتمی؟ همه آنها مردند؟ اسب‌های پدرم؟ -بله قربان همه آنها را کز زبانی مردند. -برای چه این قدر کار کردند؟ -برای اینکه آب‌بیاوردند قربان! -گفتمی رفته بودند آب بیاورند؟ آب برای چه؟ -برای اینکه آتش را خاموش کنند قربان! -کدام آتش را؟ -آتش خانه پدر شما سوخت و خاکستر شد. -پس خانه پدرم سوخت! علت آتش سوزی چه بود؟ -فکر می‌کنم که شعله شمع باعث این کار شد قربان! -گفتمی شمع؟ کدام شمع؟ -شمع‌هایی که برای تشییع جنازه مادر تان استفاده شد قربان! -مادر هم مرد؟ -بله قربان. زن بیچاره پس از وقوع آن حادثه سرش را زمین گذاشت و دیگر بلند نشد قربان! -کدام حادثه؟ -حادثه مرگ پدر تان قربان مادر تان در غم از دست دادن پدر تان حق کرد. -یعنی پدر هم مرد؟ -بله قربان. مرد بیچاره همین که آن خبر را شنید زندگی را رها کرد و حیات گشت. -کدام خبر را؟ -خبر‌های بد قربان بلکه مشاور شکست شد. اعتبار شما را بین رفت و حالا بیش از یک‌سخت در این دنیا بد طلبکار هادر، پدر دنبال تان هستند تا شما را تحویل زن‌تان بدهند. من جسارت کردم قربان خواستم خبر‌ها را هر چه زودتر به شما اطلاع بدهم قربان!